فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سال نهم، شماره سی و سوم، بهار ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ۵ – ۲۸

تاریخ‌نگاری نظامی عصر اسلامی از آغاز تا پایان عصر ممالیک (۹۲۳-٦٤٨)

اصغر قائدان[۱]

چکیده

گزارش نبردهای اعراب از نگارشهای مورد توجه در تاریخ‌نگاری اسلامی بود. در منابع اسلامی حدود ۱۴۰۰ درگیری بین قبایل عرب جاهلی ثبت شده است. در دوره اسلامی نیز گزارش دقیق جنگ‌های پیامبرﷺ و فتوحات دوره خلفا از مهمترین مباحث مورد توجه مورخان اسلامی بوده‌است؛ تا جایی‌که به تدریج دسته‌ای از مورخان نظامی ظهور یافتند که بطور تخصصی به مباحث نظامی از جمله سازمان و سازماندهی، تسلیحات و فن‌آوری نظامی، شیوه‌های جنگی، طرح‌ریزی نظامی و انواع جنگ‌ها پرداختند و به این ترتیب شکل جدیدی از تاریخ‌نگاری یعنی «تاریخ‌نگاری نظامی» به وجود آمد. این تحقیق بر آن است تا با معرفی آثار مطرح در حوزه تاریخ‌نگاری نظامی و اشکال گوناگون آن در دوره اسلامی تا پایان عصر ممالیک، عوامل تأثیرگذار بر این نوع تاریخ‌نگاری را مطرح سازد. داده‌های تاریخی نشان می‌دهد به سبب اهمیت جهاد در اسلام، پیچیدگی جنگ‌ها و انتقال میدان‌های جنگ از صحرا به شهرها و سپس به دریاها، تحول در فن آوری تسلیحات، سازماندهی و روش‌های جنگی، تخصصی شدن حوزه جنگ و شکل‌گیری رسته‌های نظامی باعث توجه ویژه به تاریخ‌نگاری نظامی و نهایتاً ظهور مورخان جنگ و تدوین آثار تخصصی در این حوزه شده‌است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری نظامی، جنگ در اسلام، جهادیه‌نگاری، فتوح‌نگاری، مغازی‌نگاری.

۱- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران. qaedan@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰٤/۲۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

درآمد

ثبت تاریخ جنگ‌ها از عصر جاهلیت تا دوره اسلامی یکی از دغدغه‌های مهم مورخان بوده تا با ویف دقیق آنها، افتخارات زمان خود را جاودانه سازند. ثبت شجاعت‌ها وحماسه‌های دلاوران می‌توانسته پرونده تفاخرات قبیله‌ای و حتی دینی را در برابر دشمنان، با شکوه نماید. چه بسا در این امر تلاش می‌شد تا به خواست حاکمان، نقاط ضعف و شکست‌ها اندک جلوه داده شود و بالعکس بر پیروزی‌ها بیشتر تأکید گردد. از این‌رو دسته‌ای از مورخان از جمله واقدی، بلاذری، ابن اعثم کوفی و موسی بن عقبه در کنار نگارش‌های تاریخی، به ثبت جنگ‌ها در قالب مغازی و فتوح نیز پرداختند. اما در این میان برخی از فرماندهان و یا اندیشمندان نظامی نظیر هرثمی شعرانی، طرسوسی و ابن ارنبغا، به‌صورت تخصصی به انعکاس زوایای جنگ‌ها پرداخته‌اند. هدف از این نوع تاریخ‌نگاری، گزارش، ثبت و وصف جنگ‌ها و نیز اموری چون سازماندهی، بسیج نیروها، مسیرهای لشکرکشی، موقعیت جغرافیایی منطقه، موقعیت استقرار نیروها، تسلیحات و تاکتیک‌های جنگی است. بر این اساس به آثاری که به بیان سیر تحولات نظامی، سازماندهی، تاکتیک، ایده‌های راهبردی، رهبری نظامی و سیر اندیشه‌های نظامی و شرح وقایع جنگ‌ها می‌پردازند «تاریخ‌نگاری نظامی»[1] اطلاق می‌شود (Dupuy, p1465)

با بعثت رسول خدا ﷺ ایام‌العرب عصر جاهلی پایان یافت اما جهاد برای حفظ کیان دین از وظایف شرعی قلمداد شد. بدیهی است ثبت این وقایع نیز انگیزه‌های دینی جدی را می‌طلبید. با گسترش فتوح در عصر خلفا، جنگ با سیاست گره خورد و انگیزه‌های سیاسی در کنار انگیزه‌های جهادی، گشایش سرزمین‌ها را رقم زد و مورخان را به سمت تدوین آثار متعددی چون فتوح سوق داد. اندک اندک دسته‌ای از مورخان نظامی نیز ظهور یافتند که در عرصه‌های تخصصی به نگارش آثار پرداختند.

این نوشتار برآن است تا نشان دهد که مسلمانان به چه علت و انگیزه‌هایی به تاریخ‌نگاری نظامی توجه کرده‌اند، ابعاد و اشکال آن چگونه بود؟ و آثار تدوین شده در

1–Military Histrography

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

این حوزه چه محورهای تخصصی را در بر می‌گرفت؟

پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش‌های این حوزه یا پیرامون تاریخ نظامی است که اغلب به شرح جنگ‌ها پرداخته و یا صرفاً در زمینه یکی از محورهای تاریخ‌نگاری نظامی است. با این حال در بعضی از آنها، آثار برخی از مغازی‌نگاران مثل واقدی و موسی بن عقبه مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌است. مقاله «بررسی دانش مغازی‌نگاری با تأکید بر مغازی واقدی»، مهدی یعقوبی و حامد منتظری مقدم (۱۳۹۳ش)، صرفاً به شرحی از مغازی‌نگاران نخستین پرداخته و تأکید آنان صرفا بر واقدی است. حسین مرادی نسب (۱۳۸۸ش) نیز در مقاله «موسی بن عقبه، پیشگام در سیره‌نگاری و کتاب مغازی او»، اگر چه کار جامعی در مورد شیوه نگارش موسی بن عقبه ارائه کرده ولی بر یک شخصیت و یک اثر متمرکز گردیده‌است. همچنین راضیه مازندرانی (۱۳۸۱ش) در مقاله «معرفی و بررسی کتاب فتوح‌البلدان»، و حسین عزیزی (۱۳۹۰ش) در«درآمدی بر کتابشناسی توصیفی فتوح‌نگاری اسلامی»، به معرفی کتاب‌های فتوح پرداخته‌اند. اصغر قائدان (۱۳۹۰ش) در مقاله «تأثیر روایت ایام‌العرب بر مغازی و فتوح‌نگاری» و مقاله «قواعد حقوق جنگ در اندیشه فقهای شیعه» به زمینه‌های تاریخ‌نگاری نظامی و اندیشه سیاسی توجه کرده است. محمد نورمحمدی و حسین بیاتلو (۱۳۹۳ش) در مقاله «انواع منجنیق‌های دوره اسلامی» اطلاعات دقیقی از این سلاح ارائه کرده‌اند. با این همه اثر جامع و مستقلی پیرامون تاریخ‌نگاری نظامی در عرصه‌ها و اشکال مختلف آن به رشته تألیف در نیامده‌است.

الف- اشکال تاریخ‌نگاری نظامی

۱. جهادیه نگاری

قرآن کریم مسلمانان را به جنگ مشروع، یعنی جهاد فی سبیل الله ترغیب می‌کرد،[۱] از این‌رو مورخان مسلمان با توجه به رهنمودهای قرآنی و نیز حضور شخص رسول

۱- انفال/٦٥؛ توبه/١٩، ٢٠، ٤١؛ بقره/١٤٥.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

خدا ﷺ در آن جنگ‌ها، به مثابه یک وظیفه دینی و به امید برخورداری از ثواب اخروی به ثبت و گزارش آیات، روایات، فضایل جهاد و مجاهدت در راه خدا می‌پرداختند. اگرچه نوشتن چنین آثاری تحت عنوان «جهادیه« در دوران معاصر باب شد، اما جهادیه نگاری سابقه‌ای طولانی در اسلام دارد. نخستین کسی که در این باب تألیفی نگاشت عبدالله بن مبارک (متوفای۱۸۱) بود، که روایات او از طریق اوزاعی، سفیان ثوری نقل شده و البته اثر او با عنوان *الجهاد* امروزه بازسازی و موجود است.[۱] پس از او ابن ابی عاصم (متوفای۲۸۷)،[۲] مقدسی حنبلی (متوفای۶۲۳)،[۳] مقری (متوفای۶۱۸)،[٤] ابن عساکر(متوفای۵۷۱)،[۵] ابن بطه العکبری (متوفای۳۸۷)[۶] و ابن اصبغ ازدی (متوفای۶۲۰)[۷] هر یک اثری مستقل در این خصوص تدوین کرده‌اند.

۲. مغازی‌نگاری

برخی مؤلفان کوشیده‌اند تا به‌دقت جنگ‌های عصر پیامبر ﷺ را در قالب مغازی گزارش کنند، همان انگیزه‌هایی که در جهادیه‌نگاری دیده می‌شود به شکلی دیگر در مغازی‌نگاری هم وجود دارد یعنی برجسته ساختن مجاهدت‌های غازیان در پوشش ایمان و انگیزه جهادی (ابن هشام،۱/۶۸۰،۶۳۰،۶۲۵ ،۶۸۵). بسیاری از مغازی نویسان در آن نبردها حضور داشته و مشاهدات خویش را سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعدی منتقل ساخته‌اند. این سبک امروزه «تاریخ‌نگاری شفاهی جنگ» نامیده می‌شود. به‌ویژه که ثبت این حضور می‌توانست برای بازماندگانشان افتخارآمیز باشد. به سبب اهمیت این امر، تعدادی از صحابه خود را وقف خدمت به ثبت مغازی آن حضرت کردند. برای نمونه عبدالله بن عباس روزی را در هفته به برپایی جلسه‌ای برای بیان مغازی رسول خدا ﷺ اختصاص می‌داد و نیز ابن شهاب زهری (متوفای۱۲٤) که در

۱- تحقیق، نزیه حماد، الدار التونسیة ،تونس، ۱۹۷۲م.
۲- *الجهاد*، تحقیق، مساعد بن سلیمان الراشد، مکتبة العلوم والحکم، مدینة منورة، ۱٤۰۹ق.
۳- *فضل الجهاد والمجاهدین*، تحقیق، مبارک بن سیف الهاجری، الدار السلفیة، ۱٤۰۸ ق.
۴- *کتاب الأربعین فی الجهاد و المجاهدین*، حققها، بدر بن عبد الله، دار ابن حزم، بیروت، ۱٤۱۵ق.
۵- *الأربعون فی الحث علی الجهاد*، دار الخلفاء، کویت، بی‌تا.
۶- سبعون حدیثاً فی الجهاد، تحقیق، یسری عبد الغنی، مکتبة القرآن، قاهرة، بی‌تا.
۷- *الإنجاد فی أبواب الجهاد* ،تحقیق، آل سلمان، دار الإمام مالک، مؤسسة الریان، بی‌تا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

علم سیره و مغازی گوی سبقت را از هم‌عصران خود ربوده بود. از بـرادرزاده وی نقـل شده که عمویم می‌گفت: «در علم مغازی علم دنیا و آخرت قرار دارد». همچنـین نـواده سعد بن ابی وقاص گوید: پدرم به ما مغازی و سرایای رسول خدا ﷺ را می‌آموخت و می‌گفت: «ای فرزندم این آثار و سوابق پدرانتان است، ذکـر آن را رهـا نکنیـد و ضـایع نگردانید» (عواجی،۹/۱).

همچنین از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده‌است: «مـا مغـازی رسـول خـدا ﷺ را آمـوزش می‌دادیم چنانچه سوره‌های قرآن را» (ابن کثیر، ۳۵۵/۳). موسی بن عقبه (متوفـای۱٤۱)، مغازی‌نویس مشهور مدینه، علت اصلی دست زدن به نگارش مغازی را اتهـام وارده بـه یکی از مغازی‌نویسان[1] می‌داند که این امر او را واداشته تا به ثبت دقیق مغازی رو آورد (ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ٦/ ١١٦)، لذا مالک بن انس درباره اهمیت کار او گفته: «کسی که نامش در کتاب موسی بن عقبه آمده، در بدر حضور داشـته و کسـی کـه نـامش در کتاب وی نیست، در بدر حضور نداشته است» (نک. مرادی نسـب، مـروری بـر کتـاب مغازیِ موسی بن عُقْبَه، ١١٦). از نخستین کسانی که به گزارش این جنگ‌هـا پرداختنـد، می‌توان به تابعانی چون عروه بن زبیر (متوفای ۹۲)، کریب بن أبی مسلم (متوفای ۹۸)، ابان بن عثمان بن عفان (متوفای ۱۰۵)، ابوعبدالله عکرمهٔ (متوفای ۱۰۵)، وهب بن منبـه (متوفای ۱۱۰)، عاصم بن عمر بن قتاده (متوفـای ۱۲۰)، ابـن شـهاب زهـری (متوفـای ١٢٤)، موسی بن عقبه (متوفـای ١٤١)، ابـن اسـحاق (متوفـای ۱۵۰)، ابـان بـن عثمـان الاحمر(متوفای ۱۷۰) اشاره داشت که برخی از آنـان کتـابی نیـز در شـرح جنـگ‌هـای پیامبر ﷺ نگاشتند اما متأسفانه عمدتاً از بین رفته‌است.

نسل دوم مغازی‌نویسان، نیز با همین انگیزه‌ها بـه کـار ثبـت غـزوات و سـرایا روی

۱- منظورش ابوسعد، شُرَحبیل بن سعد (متوفای۱۲۳) از تابعین است که فهرستی از نـام مهـاجران بـه حبشـه و مدینه، رزمندگان بدر و اُحد را فراهم آورد. سفیان بن عُیَینهٔ درباره او می‌گوید: صاحب فتوا و آگاه‌ترین افراد به مغازی پیامبر ﷺ و شرکت‌کنندگان در بدر بود که مورد اتهام قرار گرفت و مغازی‌اش از چشـم مـردم افتـاد.. بیشتر محدثان، وی را تضعیف کرده‌اند که شاید به این علت باشد که در اواخر عمرش به سبب کهولت سـن دچار تناقض گویی می‌شد. با این حال گفته شده‌است وی به جهت نیاز مالی، حضور پدر کسی را که نـزدش می‌آمد و چیزی به او نمی‌داد در بدر منکر می‌شد یا برای کسانی که سابقه‌ای در بدر نداشتند، سـابقه درسـت می‌کرد (مرادی نسب، «مروری بر کتاب مغازیِ موسی بن عُقْبَه»، ١١٦).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

آوردند. آثار کسانی چون ابن شهاب زهری،[1] ابان بن عثمان الاحمر،[2] موسی بن عقبه،[3] ابن اسحاق،[4] واقدی،[5] کلاعی البلنسی،[6] ابی زید قیروانی،[7] ابن حبیش،[8] ابن عبدالبر نمری[9] که امروزه موجودند و نیز آثار فراوانی که از میان رفته‌اند نشان از اقبال گسترده به تاریخ‌نگاری جنگ در میان مسلمانان دارد. در این میان واقدی (متوفای ۲۳۰) ازمشهورترین مغازی‌نویسان این نسل اولین کسی است که در تاریخ‌نگاری عصر خود تحول ایجاد کرد و مکتبی مستقل با عنوان مغازی‌نویسی را پایه‌گذاری و به مثابه یک علم مستقل مورد توجه قرارداد و حتی فتوح، مغازی و ردّه را مستقل از یکدیگر بررسی و در کدام آثاری تدوین کرد.

۲-۱-شیوه‌های تدوین مغازی

۲-۱-۱-مشاهده مستقیم

برخی از مغازی‌نویسان به سبب انگیزه جدی که برای درج لحظه‌به‌لحظه اخبار حضور رسول خدا ﷺ در جنگ‌ها، شیوه‌های مدیریتی ایشان داشتند، کوشیدند تا علاوه بر سماع اخبار از شاهدان عینی، خود نیز به مناطق جنگی رفته و با مشاهده میدانی، موقعیت جغرافیایی میدان جنگ، مکان شهادت صحابه و یا مکان حضور آن حضرت را تشریح کنند. واقدی از جمله این افراد است که یک دهه از عمر خود را برای گزارش وضعیت این مناطق صرف کرد؛ کاری که در عصر حاضر تاریخ‌نگاران جنگ به آن اهمیت ویژه می‌دهند. به عبارتی هیچ مورخ تاریخ جنگ نمی‌تواند

۱- *المغازی*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالمعاصر ۱٤۱٤ق. و نیز: *العواجی*، محمد بن محمد، *مرویات الإمام الزهری فی المغازی*، ۱٤۲۵ق.

۲- *المبعث و المغازی و الوفاه و السقیفه و الرده*، گردآوری رسول جعفریان، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵ق.

۳- *المغازی النبویه*، تحقیق و ترجمه حسین مرادی نسب، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش.

۴- ابن اسحاق ، *المبعث و المغازی و السیر*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۸م.

۵- *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، ۱٤۱۳ق.

۶- *الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله والثلاثة الخلفاء*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱٤۲۰ق.

۷- *الجامع فی السنن و الآداب و المغازی و التاریخ*، حققه، محمد أبو الأجفان، المکتبة العتیقة، تونس، ۱٤۰۳ق.

۸- *غزوات ابن حبیش*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱٤۲۳ق.

۹- *الدرر فی اختصار المغازی و السیر و اشمائل*، تحقیق، شوقی ضیف، دار المعارف، قاهرة، ۱٤۰۰ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

خود را از حضور در منطقه جنگی و مشاهده عینی منطقه بی‌نیاز بداند. واقدی گوید به فرزندان صحابه و شهدا و وابستگان آن‌ها نرسیدم مگر اینکه از آن‌ها پرسیدم، آیا از خانواده‌ات شنیده‌ای که شهادتگاه و قتلگاه آن‌ها کجاست؟ چون آگاهم می‌کرد برای بررسی عینی به آن موضع می‌رفتم.[1] از آنجا که وی به این امر اشتهار یافته بود، هارون در موقع حج، از او خواست که وی را به محل غزوات آن حضرت راهنمایی کند. احاطه او به این امر تعجب هارون را برانگیخت و او را هزار درهم صله داد (واقدی، مقدمه).

این مورخان با این سبک در تاریخ‌نگاری روشی نو پایه‌گذاری و تاریخ را با جغرافیا و البته حدیث پیوند دادند که تحولی قابل‌توجه در تاریخ‌نگاری مسلمین به‌حساب می‌آید که تا قبل از آن سابقه نداشت (نک. واقدی، *المغازی*، ۱ /۱۲۲، ۱۳۳، ۱٤٥، ۱۳۸ ؛ ۲/ ۱۲٥؛ همو، *فتوح‌الشام*[2]، ٤٥/۱،۸۸،٦۳ ،۱٥/۲-،۱۰۸،۷۸؛ ابن حبیش، ٦۱/۱-۳۲-۱۱۳-۱٤۲)،

۲-۱-۲- بهره‌گیری از شواهد شعری

بسیاری ازشاعران ایام‌العرب، که زمان پیامبر ﷺ را درک کرده و مسلمان شدند (مخضرمین)، شعرشان را در قالبی دیگر با مضامینی حماسی درخدمت اسلام قرار دادند (قائدان، «تأثیر روایت ایام‌العرب»، ۱۳۹۰). آنان در جهاد علیه مشرکان در غزوات و فتوح حضور جدی یافتند و با اشعاری شجاعت آن مجاهدان را می‌ستودند چندانکه متون مغازی، مملو از همین شواهد شعری است (برای نمونه: ابن‌هشام، ۸/۲-٤۳ ،۱۲۹-۱٦۸، ۱۹٥؛ واقدی، المغازی، ،۸۷/۱-۹۰، ۱۲٥/۲ ،٦۷۲/۳). موسی بن عقبه که خود در فتوح حضور داشته و مستقیماً شاهد این جنگ‌ها بود نیز از شعرا و راویان عصر ایام‌العرب بهره فراوان برده‌است (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۳۰۰).

واقدی کوشیده است تا روایت‌های شفاهی و مکتوب صحیح را در المغازی

۱- البته شاید این ادعای نویسنده اندکی اغراق‌آمیز به‌نظر برسد با این حال شاهدانی گفته‌اند واقدی را با کوله باری بر پشت در مدینه دیده‌اند که برای مشاهده مکان غزوات حرکت می‌کرده‌است (نک. مقدمه المغازی واقدی).

۲- این اثر به واقدی منسوب شده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

جمع‌آوری کند و اسامی مجاهدان، شهدا و کشته‌های دشمن (۱/ ۱۵۲، ۴۵، ۳۰۰؛ ۷۵۰،۷۵۶/۲)، مکان جنگ و مسائلی چون سازمان‌دهی سپاه (۶۷۰/۲)، مسیر حرکت (۱۱/۱، ۱۳، ۱۸۲)، طرز تجهیز سپاه و تدارکات آن (۱/ ۲۵،۲۶، ۱۹۳، ۳۳۸؛ ۲/ ۴۴۴، ۶۵۸، ۶۶۴)، کیفیت کسب اطلاعات از دشمن (۹/۱، ۱۱، ۱۹۷، ۲۱۸؛ ۲/ ۳۹۵، ۴۰۲)، تاکتیک‌های جنگی (۱/ ۱۱، ۵۳؛ ۲/ ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۴۶) را به‌دقت ثبت کرده و علاوه بر آن به مسائل معنوی از جمله روحیه شهامت و شهادت‌طلبی که از عوامل مهم در جنگ بشمار می‌رود نیز توجه کند (۱۱۹/۱؛ ۲/ ۱۴۲،۴۴۳؛۸۱۲/۲).

۲-۱-۳-بهره‌گیری از شواهد قرآنی

واقدی و برخی دیگر از مغازی‌نویسان پیرو او از جمله ابن سیّد الناس[۱] و ابن عساکر[۲] با ذکر آیات نازل شده در غزوات و ذکر شأن نزول آن‌ها و حتی با پرداختن به تفاسیر آن آیات اثر خود را نسبت به سایر آثار ممتاز ساخته‌اند (واقدی، مقدمه مارسدن جونز).

۴- ردّه و فتن‌نگاری

جنگ‌های داخلی که می‌توان از آن‌ها با عنوان «بحران» یاد کرد با رحلت رسول خدا ﷺ دامن‌گیر جامعه اسلامی شد. خلیفه تازه به مسند نشسته از پی سقیفه، یازده لشکر تدارک دید (واقدی، الردّه، ۷۰، ۷۲، ۸۱، ۹۲[۱] و با قاطعیت تمام به بحرانی که در تاریخ از آن با عنوان «الردّه» یاد شده‌است پایان داد.

صرف‌نظر از اختلاف برداشتی که در مورد جنگ‌های ردّه وجود دارد (قائدان، «نگرشی نوین به بحران رده، ۱۱-۱۳)، این بحران از دیدگاه دستگاه خلافت امری مهم تلقی شد که در صورت تداوم، می‌توانست به مدینه نیز سرایت کند و کار خلافت اسلامی را که هنوز آغاز نشده‌بود، به پایان رساند. به همین سبب، مورخان، به‌طور مستقل به رده‌نگاری پرداختند و از شجاعت‌های مسلمانان و تلاش‌های خلیفه برای سرکوبی آن سخن‌ها گفتند (واقدی، *الـرده*،۴۸، ۸۶، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۶۲). آثار سیف

۱- *عیون الاثر فی فنون المغازی و السیر*، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۰۹ق.

۲- *الدّرر فی اختصار المغازی و السیر*، بیروت، دارالملائین، ۱۴۱۰ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

بن عمر تمیمی (متوفای ۱۹۲)،[۱] واقدی،[۲] طبری (۳۱۰ق)،[۳] ابن یزید بغدادی (۳۱۱ق)،[۴] کلاعی البلنسی (متوفای ٦٣٤)[۵] امروزه از میان ده‌ها آثار از میان رفته بازسازی شده‌اند.

فتنه بُغات در عصر خلافت امام علی(ع)، نیز به بحرانی فراگیر تبدیل شد که نخستین جرقه آن، بهانه قتل عثمان بود. قتل عثمان نیز به نوبه خود نوعی فتنه بود. در عصر حاضر اصطلاحاً این گونه رخدادها را «بحران پس از بحران» می‌نامند.[٦] در مجموع، رویکرد مورخان به ثبت این بحران‌ها باعث پدیدار شدن شیوه‌ای دیگر از تاریخ‌نگاری نظامی شد که می‌توان آن را «فتن‌نگاری» نامید. دستاورد این نوع تاریخ‌نگاری ورود مورخان، به مباحث فقهی و کلامی و نیز ورود فقها به مباحث تاریخی یعنی تبیین احکام این گونه جنگ‌ها بود که موجب نزدیکی آن دو گروه به یکدیگر و ایجاد تحولاتی در مبانی فقهی شد و به عبارت امروزین «فقه سیاسی» یا «حقوق جنگ» پدید آمد. مباحثی از قبیل این‌که کدام‌یک از طرفین بر حق بودند و احکام برخورد با اهل قبله از حیث کشتن، اسارت مردان یا زنان و کودکان، اخذ اموال جنگی و غیرجنگی و نظایر اینها چیست و چگونه می‌توان از سیره امام علی(ع)، در این خصوص بهره برد؟[۷] علامه حلی به طور مفصل به بحث پیرامون احکام فقهی مربوط به جنگ با اهل قبله پرداخته وآنان را به دو دسته «باغیان ذی فئه» و «باغیان غیر ذی فئه» تقسیم می‌کند (بنگرید: حلی، ۹۳۷/۱ ، قائدان، شریفی و باقری، ۲۸۸).

برای اشراف فقها به احکام این جنگ‌ها مورخان اقدام به تک‌نگاری‌هایی در این مورد کردند قدیمی‌ترین آثار این حوزه از جمله آثار عروه بن زبیر (متوفای ۹۲)،

۱- *الرده، الفتوح، کتاب الجمل و مسیر عائشه و علی*،تحقیق و تقدیم قاسم السامرائی، ریاض، دار الامیه،۱۹۹۷م.

۲- *الردهٔ مع نبذهٔ من فتوح العراق وذکر المثنی بن حارثهٔ الشیبانی* ، تحقیق: یحیی الجبوری، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ١٤١٠ ق.

۳- آل یاسین ،محمدحسن، *نصوص الرده فی تاریخ الطبری*،بیروت، دارمکتبه الحیاه، بی‌تا.

۴- *اهل الملل و الرده و الزنادقه*، مکتبه المعارف،١٤١٦ ق.

۵- الاکتفاء، دارالکتب العلمیهٔ، بیروت، ١٤٢٠ق.

۶- نک. قائدان: «مدیریت بحران‌های عصر امام علی(ع)»، *فصلنامه مدیریت بحران*،ش ۱، ۱۳۸۵.

۷- نک. قائدان ،«پیشینه حقوق جنگ در سیره و گفتار امام علی(ع)»، *مطالعات راهبردی بسیج* ، بهار ۱۳۹۲،ش ۵۸.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

ابومخنف (متوفای۱۷۵)،[۱] سیف بن عمر (متوفای۱۹۲)،[۲] ثقفی کوفی (متوفای۲۰۰)[۳] و ابوعبیده معمربن مثنی (متوفای۲۱۰)[۴] از بین رفته‌اند. با این همه برخی از آثار نویسندگانی چون نصر بن مزاحم منقری (متوفای۲۱۲)،[۵] نعیم بن حماد (متوفای۲۲۸)[۶] و أبوبکر بغدادی الحنبلی (متوفای ۳۱۱)[۷] در دسترسند.

در فتن‌نگاری از شواهد شعری، بیان رجزهای حماسی به خوبی بهره برده شده‌است. برای نمونه نصربن مزاحم منقری که بخش‌های اعظم *وقعه الصفین* او را همین شواهد شعری تشکیل می‌دهند (منقری، ۲۳۳-۲۳۵،۲٤۸-۵۱۲-۵۱۹) و یا ابومخنف، که روایات او اغلب قبیله‌ای ومنقول از راویان ازدی، همدانی، طی، کنده و تمیم، با نگرش‌های قبیله‌ای یا ایام‌العرب همراه با شواهد شعری است (سجادی و عالم زاده، ۵۹-٦۱).

البته علاوه بر آن، فتنه خوارج که پس از جنگ نهروان تا چندین سده جامعه را درگیر خود ساخته بود و نیز شورش‌ها و قیام‌های متعدد دینی و سیاسی در عصر اموی و عباسی مورد توجه مورخان قرار گرفته که بخش‌هایی از تواریخ عمومی به گزارش آن درگیری‌ها اختصاص یافته‌است.

۵-فتوح‌نگاری

استراتژی سیاسی خلفا، گسترش اسلام از طریق تهاجمات نظامی بود که از آن با عنوان «فتوح» یاد می‌شود. خلیفه اول در حین سرکوبی بحران ردّه، جبهه دیگری گشود که کاری عاقلانه به نظر نمی‌رسید؛ اما ظاهراً او می‌خواست با گشودن آن، توجه مسلمانان را به نقطه دیگری جلب و جنگ‌های ردّه را بی‌اهمیت جلوه دهد؛ زیرا بخش

۱- او کتاب‌هایی در این موضوع داشته که همگی از بین رفته‌اند از جمله: مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مقتل حجر بن عدی، متقل حسن بن علی علیه‌السلام، کتاب الجمل، مقتل عثمان

۲-*الفتنة و وقعة الجمل*، تحقیق: أحمد راتب عرموش، دار النفائس، ۱٤۱۳ق.

۳-*الغارات*، دارالاضواء، بیروت، ۱٤۲٤ق.

۴- او کتاب‌هایی با عنوان الجمل، الصفین، داشته که از میان رفته‌است.

۵- پیکار صفین، ترجمهٔ پرویز اتابکی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.

۶-*کتاب الفتن*، تحقیق: سمیر أمین الزهیری، مکتبة التوحید، القاهرة،۱٤۱۲ق.

۷-*احکام أهل الملل والردة من الجامع لمسائل الإمام أحمد بن حنبل*، تحقیق: سید کسروی، دار الکتب العلمیة، بیروت ۱٤۱٤ ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

قابل توجهی از ماجرای ردّه، به مانعان زکاتی ارتباط داشت که مشروعیتی برای خلیفه قائل نبودند. سیاست توسعه سرزمینی در دو جبهه ایران و روم آغاز شد و تحولاتی چشمگیر در نوع و شیوه جنگ، تاکتیک و طرح‌ریزی عملیاتی، تسلیحات و سازمان رزم رخ داد. مورخان جنگ، توجه ویژه‌ای به ثبت این فتوحات مبذول داشتند و شیوه جدیدی در تاریخ‌نگاری نظامی با عنوان «فتوح‌نگاری» پدید آوردند. از آنجا که مغازی اصطلاحی برای جنگ‌های عصر رسول خدا ﷺ بود مورخان فتوح، تمایلی به انتخاب آن عنوان برای این جنگ‌ها نداشته و نام فتوح بر آثارشان گذاشتند. دیگر این که هدف اساسی فتوح، گشودن سرزمین‌ها بود. فتوح‌نویسان شیوه کار خود را غالباً بر اساس حولیات (سال‌نگاری) متمرکز می‌کردند. اگرچه متأسفانه آثار نخستین فتوح‌نگارانی چون سیف بن عمر، ابو مخنف، موسی بن عقبه، ابن شهاب زهری، ابان بن عثمان، عروه بن زبیر ازمیان رفته‌است؛ اما اندک آثار باقیمانده از آن روزگار نیز نشان از اهتمام جدی به این امر دارد. دسته‌ای به طور اختصاصی کل فتوحات را در همه مناطق دنبال و به عبارتی فتوح‌نگاری عمومی کرده‌اند؛ مثل بلاذری (متوفای ۲۷۹)[۱] و ابن اعثم کوفی (متوفای ۳۱٤)،[۲] دسته‌ای دیگر نیز بر سرزمینی خاص مانند مصر، شام، عراق و سایر نقاط متمرکز و به صورت تخصصی تک‌نگاری کرده‌اند، مثل آثار بازسازی شده واقدی با عنوان: *فتوح الجزیره و الخابور و دیار بکر و العراق*،[۳] *فتوح افریقیة*،[۴] *فتوح الاسلام للبلاد العجم و خراسان*، [۵] فتوح سواد العراق،[۶] و دو تألیفی که به او منسوب شده‌است، *فتوح الشام*[۷] و *فتوح المصر و الاسکندریه*،[۸] محمد بن عبدالله ازدی (متوفای قرن ۲)،[۹]

۱- *فتوح البلدان*، بیروت، دار ومکتبة الهلال ۱۹۸۸ م.
۲- *الفتوح*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱٤۰٦ق.
۳- تحقیق عبدالعزیز فیاض حرفوش، دمشق، دارالبشائر، ۱۹۹٦م.
۴- تونس، مکتبة المنارالتونس، ۱۹٦٦م.
۵- قاهره، مطبعه المحروسه، ۱۳۰۹ق.
۶- تصحیح نادر کریمیان، تهران، واعظی، ۱۳۷٤ش.
۷- تحقیق، صالح موسی درادکه، عمان موسسه حماده، ۲۰۱۱م.
۸- تصحیح و شرحه ریک آرند همقر، لیدن، بریل، ۱۸۲۵م.
۹- *فتوح الشام*، موسسة سجل العرب، قاهره، ۱۹۷۰م.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

ابن عبدالحکم (متوفای ۲۵۷)،[۱] ابن‌حزم الاندلسی (متوفای٤٥٦)[۲].

۵-۱-ویژگی‌های فتوح‌نگاری

۵-۱-۱-مشاهده میدانی

از ویژگی‌های فتوح‌نگاران، حضور مستقیم برخی از آنان در مناطق جنگی و مشاهده عینی موقعیت جغرافیایی میدان جنگ بود. ثبت دقیق امکانات نظامی طرفین، بیان چگونگی سازمان‌دهی، سازمان رزم، ویژگی فرماندهان، فنون جنگی و نهایتاً نتیجه جنگ از مهم‌ترین ویژگی‌های این فتوح‌نویسان است.

۵-۱-۲- تأثیرپذیری از ایام‌العرب

مطالعه اجمالی گزارش فتوح‌نگاری‌ها نشان می‌دهد که همان روش‌های گزارش ایام‌العرب عصر جاهلی در آن تداوم یافته است. راویان روایت فتوح، بعضاً در پی طرح تفاخرات قبیله‌ای و نژادی، اشعار و رجزهای مبتنی بر احساب، بزرگ‌نمایی‌ها و برجسته کردن پیروزی‌ها و نظایر اینها بودند. برخی نیز به سبب اینکه پیشتر روای ایام‌العرب در عصر جاهلی بوده و مهارتی نیز در شعر داشتند به همان شیوه به گزارش روایات فتوح پرداخته‌اند.[۳]

۵-۱-۳- توجه به قصص

اگرچه قصص در دوران خلفای راشدین مهجور بود، اما در عصر بنی امیه حیاتی دوباره یافت. قصّاص و داستان‌سرایان بخش عمده‌ای از زمان و ذهن مخاطبان را برای شنیدن داستان‌های متعدد به‌ویژه در عرصه فتوح اشغال می‌کردند و حاکمان اموی به‌ویژه معاویه با حمایت از قصه‌پردازانی چون سیف بن عمر، صحار عبدی، عبیده بن شریه و وهب بن منبه (ابن قتیبه، عیون الاخبار، ۱۹۱) می‌کوشیدند تا توجه مردم را از مبانی اعتقادی و سیره نبوی به سوئی دیگر منحرف سازند. در حالی که کتب فتوح،

۱- *فتوح مصر والمغرب*، مکتبة الثقافة الدینیة، ١٤١٥ هـ و نیز *فتوح افریقیا و الاندلس*، بیروت، مکتبه المدرسه، ۱۳٤۳ق.

۲- *جمل فتوح اسلام بعد وفاة رسول*ﷺ، بیروت، دارالایمان، بی‌تا.

۳- برای مطالعه بیشتر نک. قائدان، تأثیر ایام‌العرب بر فتوح و مغازی‌نگاری در عصر اسلامی، *مطالعات تاریخ اسلام*، س ۳، ش ۹، تابستان ۱۳۹۰.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

مملو از این داستان پردازی‌هاست، سایر تألیفات تاریخی که فتوح را نیز گزارش کرده‌اند از جمله، *تاریخ یعقوبی*، *تاریخ خلیفه*، *مروج‌الذهب* و *تجارب‌الامم*، فاقد این گونه داستان پردازی‌هاست.

۶. حماسه‌نگاری

وصف شجاعت‌های جنگاوران یکی از انگیزه‌های مهم شعرا برای سرودن شعرهای حماسی یود که در عصر حاضر به آن «ادبیات مقاومت» یا «پایداری» گفته می‌شود. برخی از شعرا در آن جنگ‌ها حضور می‌یافتند مسلمانان را به جنگ تهییج می‌کردند. بعدها برخی با گردآوری آن اشعار در قالب «حماسه نگاری» یا «ملحمه» گوشه‌هایی از زوایا و تاریخ جنگ را، البته بگونه‌ای اغراق‌آمیز به تصویر کشیدند. عده‌ای از شاعران ایام‌العرب مثل جندب بنت عجلان (ابن هشام، ۲،۱۳۲) و زبرقان بن بدر (متوفای٤٥)، که عصر فتوح را درک کرده‌اند، اشعارشان مورد استفاده مغازی‌نگاران و فتوح‌نگاران قرار گرفته است (واقدی، الرده، ٦٨-٢٢٠؛ ابن هشام، ١/ ٥٦٥-٥٦٢). پیامبرﷺ در مورد عمروبن الاهتم المنقری از بزرگان تمیم در عصر جاهلیت و اسلام (ابن عبد ربه، ٢٠٢/١) که در یوم بسوس شعر می‌سرود، چنین فرمود: «در شعر حکیم و در سخنوری ساحر و جادوگر است» [او] (ابن اثیر، ٤/ ٨٧). اشعار خنساء تماضر، بنت عمروبن شرید (متوفای ٤٣)، نیز مورد پسند پیامبرﷺ قرار گرفته است. او در جنگ قادسیه همراه چهار فرزندش حضور یافت و آنان را به شهادت در راه خدا فرامی‌خواند تا اینکه همه آنان شهید شدند (ابوالفرج اصفهانی، ١٣،١٩). اشعار فراوانی از ابوذویب خویلد بن خالد هذلی (ابن هشام، ١،٢٦٣-٤٨٤-٥٣٠)، که در فتح شام حضور داشت و عباس بن مرداس السلمی (ابن قتیبه، المعارف، ١٨٩)، که در ٢٠ غزوهٔ و نبرد از جمله حنین حضور یافت مورد استفاده واقدی قرار گرفته است (ابن اعثم، ١،٩١؛ *واقدی*، ٣،٥٣٥-٥٣٨-٦٢١-٦٢٦). شاعران فراوان دیگری که اشعارحماسی آنان در کتبی چون فحول طبقات الشعرا، اثر ابن سلام، *المفضلیات*، اثر ضبی، *طبقات‌الشعرا*، اثر ابن قتیبه و *المنهج فی تفسیر اسماء الشعراء الحماسه* اثر ابن جنی از آنان یاد شده‌است. بعدها کسانی اشعار آنان را بطور مستقل فراهم ساخته و به تدوین کتب حماسه و دیوان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

پرداختند[1] از جمله اینها می‌توان به آثار ابوتمام طایی،[2] بختری،[3] ابن جنی،[4] شجری،[5] ابن فارس[6] بصری[7] اشاره کرد.

۷. سیر نگاری (حقوق جنگ)

به سبب گسترش فتوح، طرز برخورد با دارالحرب، یکی از مهمترین مسائل جامعه اسلامی بود. مسائلی از قبیل طرز رفتار با ملل مغلوب، مبانی حقوق انسانی ساکنان دارالحرب، طرز رفتار با اسیران، زنان، کودکان و غیر نظامیان و به عبارت امروزین، اصول حقوق بشر دوستانه در جنگ، گرفتن غنیمت، فی، خراج و جزیه در مجموع باعث توجه به مبانی فقهی جنگ گردید. از آنجا که تاریخ‌نگاری نظامی ارتباطی طولانی، تعیین کننده و اساسی با روابط بین الملل دارد، با مبانی فقهی نیز رابطه‌ای تنگاتنگ یافت. در این میان آنچه مهم‌تر می‌نمود، ماهیت نوع توسعه سرزمینی بود، این‌که آیا به صلح گشوده شده یا به عَنوه (جنگ)، تا فقها بتوانند احکام آن را تدوین و میزان خراج، جزیه و عشر آنها را مشخص کنند (سرخسی، ۲/۱۰؛ کاشانی، ۷/۹۷). بر این اساس فقها با تبیین مبانی فقهی آن به مدد مورخان جنگ و نیز خلفا، امیران و فاتحان آمدند که در این خصوص گرفتار مشکلات متعددی شده‌بودند. از این رو برخی از فقها با بنیان گذاشتن علم «سیر نویسی» به عنوان یکی از اشکال تاریخ‌نگاری جنگ به ارائه راه‌کارهای عملی برای طرز تعامل در دارالحرب پرداختند. نخستین کسی که در این حوزه به کار تدوین «سیر» پرداخت ابوحنیفه بود. اما صحیح آن است که مبانی این علم را شاگردش محمد بن حسن شیبانی (متوفای ۱۸۹) پایه‌گذاری کرد و از نظرات استادش ابوحنیفه و مصاحبش قاضی ابویوسف سود جسته و نظرات خود را هم در

۱- نک. گئورک ویلهلم فریتگ، *اشعار الحماسة و اربعة فهارس*، ۱۸۲۸م.
۲- ابوتمام حبیب بن اوس، *اشعار الحماسه*، ۱۸۵۱م.
۳- بحتری، ابو عباده الولید بن عبید، *الحماسه*، بیروت، دار صادر، ۱٤۲۳ق.
۴- ابن جنی، عثمان، *البهیج فی تفسیر اسماء الشعراء دیوان الحماسه*، دمشق، مکتبه القدسی، ۱۳٤۸ق.
۵- ابن الشجری، هبه الله بن علی، *الحماسه*، دائره المعارف العثمانیه دکن، ۱۳٤۵ق .
۶- ابن فارس، احمد، *الحماسه*، بیروت، عالم الکتب،۱٤۱۵ق.
۷- بصری، علی بن ابی الفرج، *الحماسه البصریه*، قاهره، مجلس الاعلی، ۱٤۰۸ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

کتابش با عنوان *الاصل* یا *المبسوط*، که جز یک قسمت آن باقی نمانده‌است،[1] ارائه کرده‌است. این اثر از نخستین آثار مهم در این زمینه است و در اهمیت آن همین بس که یک کرسی در دانشگاه جورج واشینگتن و هاپکینز و برخی از دانشگاه‌های انگلستان به شیبانی و کتاب او و در حقیقت حقوق بشر اسلامی اختصاص یافته است.[2]

فقهای متقدم، موضوع «سیر» را یا در بخش جهاد و یا در ابواب جنگ با اهل ردّه و امان‌نامه‌ها بررسی کرده‌اند (مالک بن انس، ۲/ ٤٤٣-٤٧١؛ شافعی، ١٤٧/٤). در هر حال عده‌ای چون ابو حنیفه (متوفای ۱۵۰)، سفیان ثوری (متوفای ١٦١)، ابویوسف (متوفای ۱۸۲)[3]، ابواسحاق فزاری (متوفای ۱۸۸)[4]، شیبانی (متوفای ۲۳۹)، اوزاعی(متوفای ۱۵۷)[5]، شافعی (متوفای ۲۰٤)[6]، سرخسی (متوفای ٤٨٣)[7] و ابن قیم الجوزیهٔ (متوفای ۷۵۱)[8] ابعاد حقوقی و فقهی جنگ و نیز عده‌ای چون ابویوسف (متوفای ۱۵۰)[9]، یحیی بن آدم (متوفای ۲۰۳)[10]، قدامه بن جعفر (متوفای ۳۳۷)[11]، ابوعبید قاسم بن سلام (متوفای ۲۲٤)[12] و ابن زنجویه (متوفای ۲۵۱)[13] ابعاد اقتصادی و مالی جنگ را مورد عنایت و توجه قرار دادند. برخی از فقهای شیعه نیز در ابوابی از کتب فقهی خود به این مسائل پرداخته‌اند.[14]

۱- *کتاب السیر والخراج والعشر من کتاب الاصل*، تصحیح مجید خدوری، بیروت ١٤١٠ق.

۲- نک.قائدان، شریفی، ،«قواعد حقوق جنگ در اندیشهٔ فقهای شیعه و مقایسهٔ آن با قوانین حقوق بشردوستانه در عصر حاضر»، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، س ٤٧ ، ش۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۳- *الردعلی سیر الأوزاعی*، تصحیح ابوالوفاء افغانی، قاهره، ۱۹۳۹م. و نیز کتاب الآثار، قاهره-۱۳۵۵ ق.

۴- *السیر*، تحقیق، فاروق حمادهٔ، مؤسسهٔ الرسالهٔ، بیروت، ۱۹۸۷م.

۵- شافعی، *الام*، *کتاب سیرالإوزاعی*، قاهره ۱۳۲۵ق.

۶- همان.

۷- *شرح السیرالکبیر* محمد بن حسن شیبانی، صلاح الدین المنجد، قاهره، ۱۹۵۷م.

۸- *أحکام أهل الذمهٔ*، تحقیق، یوسف بن أحمد البکری، رمادی للنشر، عربستان، ١٤١٨ق.

۹- *الخراج*، تحقیق طه عبد الرووف سعد، المکتبهٔ الأزهریهٔ، قاهره ١٣٥٤ق.

۱۰- *الخراج*، المطبعهٔ السلفیهٔ، ١٣٨٤ق.

۱۱- *کتاب الخراج و صنعه الکتابه*، تحقیق، محمد حسین الزبیدی، بغداد، ۱۹۸۱م.

۱۲- *الاموال*، تصحیح محمد حامد الفقی، قاهره، ۱۳۵۳ق.

۱۳- کتاب *الأموال*، تحقیق ابو محمد السیوطی، دارالکتب العلمیهٔ، بیروت، ١٤٢٧ق.

۱۴- نک. قائدان، شریفی همانجا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

ب- عوامل مؤثر بر تاریخ‌نگاری نظامی

۱-تحول در فن‌آوری نظامی

با گسترده و پیچیده شدن جنگ‌ها و انتقال درگیری‌ها از صحرا به شهرها و جنگ‌های محاصره‌ای و همچنین از جنگ‌های زمینی به دریایی، مسلمانان توانستند در زمینه‌های فن‌آوری نظامی و نیز رسته‌های تخصصی به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند. یگان‌ها و رسته‌هایی چون منجنیق‌اندازان، دبابیون و نفت‌اندازان زمانی شکل گرفت که مسلمانان موفق شدند به سلاح‌های سنگین و تهاجمی دست یابند. بدیهی است گسترش این نوع سلاح‌ها تنها در سایه دستیابی به فن‌آوری آن‌ها امکان‌پذیر بود. ازاین‌رو توانستند با ساخت انواع منجنیق‌ها، دبابه‌ها، کشتی‌های جنگی و نظایر اینها به پیشرفت‌های مهمی دست یابند،[۱] از این رو برخی از متخصصان نظامی نیز برای تسریع در روند این تحول، در عرصه فناوری نظامی و نیز آموزش شیوه‌های کاربرد آن‌ها دست به تألیفات تخصصی زدند.

قدیمی‌ترین اثری که به صورت تخصصی در این زمینه نگاشته شده‌است باید به اثر ابو سعید اصمعی (متوفای ۲۱۶)[۲] اشاره کرد. پس از او کندی، مورخ شهیر مصری (متوفای ۲۵٤)[۳] است که در کتاب خود به ارائه روایات در مورد شمشیر و مجاهدت با آن در راه خدا و نیز انواع و طرز ساخت آنها پرداخته است.

نخستین کسی که در عصر اسلامی به تألیف یک دائره‌المعارف جامع تخصصی پیرامون فن‌آوری سلاح دست زد طرسوسی (متوفای ۵۸۹) [۴] بود. او که در دوران صلاح‌الدین ایوبی می‌زیست کتابی دراین‌خصوص به خواست او نگاشت و انواع تسلیحات، اعم از تهاجمی و تدافعی، جمعی و انفرادی را تشریح و کاربرد آن‌ها را بیان کرد. او علاوه بر آن، از آداب و اصول جنگ، سازمان‌دهی نظامی و یگان‌های رزمی نیز

۱- *نک.* قائدان، *سازمان رزم و سازماندهی نظامی در عصر اسلامی از آغاز تا عصر عباسی*، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۸۵.

۲- *السلاح*، حققه محمد جبار المعیبد، بیروت، بی‌نا.

۳- *السیوف التی کانت عند العرب و اجناسها*، تحقیق عبدالرحمن زکی، بیروت، مکتبه الثقافه،۲۰۰۱م.

۴- *تبصرة ارباب الباب فی کیفیة النجاة فی الحروب مع الاعداء* (الموسوعه الاسلحه القدیمه).بیروت، دارالجیل،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

سخن گفت. اثر طرسوسی از آنجا اهمیت و ارزش ویژه‌ای می‌یابد که با ارائه طرح‌ها و ترسیم اشکال بسیار دقیق این سلاح‌ها و قطعات آن‌ها روش‌های ساخت و به‌کارگیری آن‌ها را نیز به‌خوبی تشریح کرده‌است.

ابن ارنبغا الزردکاش (متوفای ۸٦۷) نیز اثر خود را به سلطان برقوق، از ممالیک شام هدیه کرد و چون صرفاً اختصاص به منجنیق و کاربرد آن داشت کتابش را *الانیق فی المناجنیق* نام نهاد.[۱] او ضمن وصف، طرز ساخت و تشریح انواع منجنیق و کارکرد آنها اعم از منجنیق‌های ایرانی، عربی، رومی، ترکی و انواع گلوله‌های آن‌ها به ترسیم دقیق اشکال آنها، ابزارهای قیاس مسافات، انواع نردبان های حصار، زحافه، دبابه و نظایر اینها پرداخته و از این رو جذابیت خاصی به اثرش داده که حجم عمده تألیف او به همین اشکال و تصاویر اختصاص یافته است. نجم الدین حسن الرماح احدب که خود یکی از صاحبنظران و سازندگان سلاح در عصر ممالیک بود، در کتاب خود[۲] به تشریح و وصف سلاح‌های سبک مخصوص سواره نظام از جمله نیزه، شمشیر، کمان، سپر، گرز و سلاح‌های سنگین مثل منجنیق، مواد اشتعال‌زا مثل نفط و نهایتاً طرز استفاده ازآتش افکن‌ها در جنگ پرداخته است.

۲-پیچیده و تخصصی شدن اشکال جنگ

پس از گسترش فتوحات و آشنایی مسلمانان با ممالک دیگر و نهایتاً بهره‌برداری از فن‌آوری آنان، جنگ‌های مسلمانان نیز چندان پیچیده‌تر شد که پیروزی در آنها در گرو برخورداری از راهبرد نظامی، روش‌های نوین جنگی، تسلیحات پیچیده و سنگین، سازمان‌دهی متحول شده برحسب جنگ و در نهایت آداب و هنر جنگ بود. ازآن‌رو برخی از متخصصان و اندیشمندان اسلامی به‌جای وصف صرف ذکر وقایع و رویدادهای جنگی، به ارائه آن چیزی پرداختند که امروزه «هنر جنگ» خوانده می‌شود و در این زمینه میراث گران‌بهایی از خود برجا گذاشتند.

نخستین کسی که در آداب و فنون جنگ دست به تألیف زد هرثمی شعرانی (قرن

۱- *الفروسیه و المناصب الحربیه*، تحقیق احسان هندی، دارالمعارف، مصر ،۱۹۸۹م.

۲- تحقیق عیدضیف العبادی، بغداد، وزاره الثقافه، ۱۹۸۰م.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

سوم) مصاحب مأمون، خلیفه عباسی بود. او علاوه بر این‌که یک فرمانده نظامی است، نظریه‌پردازی عمیق در اصول جنگ نیز به‌حساب می‌آید. کتاب حجیم او با عنوان *الحیل فی الحروب*، که خود آن را با عنوان مختصر *سیاسة الحروب* تلخیص کرد، امروزه در دست است. وی عمدتاً بر هنر جنگ و مباحث مرتبط با آن از جمله ویژگی‌های یک فرمانده، وجوب احتیاط در برابر دشمن، حفاظت اطلاعات، انتخاب جاسوسان، ترفندهای جنگی، بسیج نیرو، سازمان رزم، سازمان‌دهی، هشیاری به هنگام استقرار در اردوگاه و نظایر اینها متمرکز شده‌است (هرثمی، ٢٤، ٢٩، ٣٥، ٤٥، ٤٩، ٦٥، ٨٩، ٩٤).

ابن قتیبه دینوری (متوفای ٢٧٦) اندکی پس از هرثمی تألیفی بس گران‌بها تدوین کرد که در فصولی از آن درباره اصول جنگ است و او آن را *عیون الاخبار* نامید، زیرا پایه اصلی آن بر یک متن آموزشی آئین جنگ از عصر ساسانی استوار شده‌بود. متن مذکور با نام *آئین نامک* توسط بهرام چوبین نگاشته شده و ابن مقفع آن را از پهلوی ساسانی به عربی ترجمه کرده‌بود. ابن قتیبه در *باب الحرب*، به آراء هندی‌ها و ایرانی‌ها پیرامون اصول جنگ پرداخته و معتقد است مسلمانان از آنان بهره برده‌اند. او روش‌های جنگی، ویژگی‌های یک فرمانده، آداب سوارکاری، حرکت و مانور در رزم، صفات و ویژگی اسب‌ها و نظایر اینها را به‌خوبی تشریح کرده‌است (نک. ابن قتیبه، باب الحرب).

ابوبکر هروی (متوفای ٤٨٩) نیز از کسانی است که به طرح نظرات خود درباره اصول و مبانی جنگ پرداخته و ضرورت جمع‌آوری آلات و ادوات جنگ توسط سلطان، طرز برخورد با دشمن و حیله‌های جنگی، کتمان اسرار، ارسال سرایا، تحریض به جنگ و نظایر اینها را شرح داده‌است (هروی، ١٧٥، ١٧٧، ١٨٠، ١٨٢).[1]

اما علاوه بر اعراب، ایرانیان مسلمان نیز در این عرصه ورود یافتند، فخر مدبر ملقب به مبارکشاه در اثر خود *آداب الحرب و الشجاعه*[2] که از متون ارزشمند فارسی قرن ششم است به رسوم جنگاوران، صف‌آرایی و انواع سلاح‌ها، تربیت اسب و معالجه بیماری آنها، فرماندهی لشکر و سپاه و نیز هنر رزم آوری و پهلوانی از جمله گوی و چوگان و زور آزمودن و کشتی گرفتن و جنگ مشت کردن و سنگ فلاخن انداختن و نظایر اینها

١- ترجمه اصغر قائدان، تاریخ اسلام بهار، ١٣٨٥، شماره ٢٥.

٢- تصحیح سهیلی خوانساری، تهران، اقبال، ١٣٤٦ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

پرداخته است.

در خصوص سازماندهی در جنگ، ابن منکلی بغا ناصری (متوفای ۷۸٤) تألیفی با عنوان *الادلة الرسمیه فی التعابی الحربیه* برای سلطان قایتبای (متوفای ۸۷۳) از ممالیک مصر فراهم ساخت که در آن به‌طور مفصل به سازماندهی و انواع آرایش نظامی، وظایف یگان‌های رزم، جنگ‌های محاصره‌ای و نهایتاً جنگ‌های دریایی پرداخت (ابن منکلی بغا،٤٧،٤١،٣٦،٣٤،٢٥،٢٢). تألیف او را شاید بتوان در موضوع سازمان‌دهی نظامی تنها کتاب جامعی دانست که این موارد را به‌خوبی و با جزییات دقیق تشریح و تألیفش را به آیات قرآنی و روایات، مستند ساخته است.

المخزون الجامع الفنون تألیف مقداد بن اسود مشهور به ابن حزام از قرن نهم، که نسخه خطی آن دارای تاریخ ۹۷۵،[1] نیز در مورد فنون و آداب جنگ، سازماندهی، روشهای جنگ و محاصره دشمن، سوارکاری، اشکال مختلف آرایش جنگی سواره نظام، تیراندازی با کمان و نیزه است که با تصاویر و اشکال بسیار زیبا و فراوان، ارزش دوچندان یافته‌است. کتاب *السعی المحمود فی ترتیب الجنود*، تألیف زین‌الدین عبدالقادر فاکهی از قرن هشتم، که نسخه خطی آن در کتابخانه دانشگاه الازهر موجود است، *تجنید الاجناد و جهات الجیاد*، تألیف بدرالدین بن محمد کتانی الحموی و نیز *تعبیه الجیوش*،[2] که به هنر جنگ و سازماندهی نظامی اختصاص دارند از دیگر مواریث تمدنی در حوزه تاریخ‌نگاری تخصصی نظامی است.

اما برخی از آثار نیز به صورت تک‌نگاری‌هایی تخصصی در موضوع الفروسیه یا سوارکاری به نگارش درآمده که نشان از اهمیت این رسته دارد. وهب بن منبه (متوفای ۱۱٤) از تابعین و از راویان مشهور قصص در عصر بنی‌امیه برای نخستین بار کتابی با عنوان *فی علم سیاسه الخیل* نوشت که در آن به ذکر روایات رسول خدا ﷺ در تشویق به سوارکاری و یادگیری آن، انواع اسب‌ها به لحاظ نژاد، صفات، امراض، شکستگی دست و پاهای اسب و طرز معالجه آنها، کالبدشکافی جوارح اسب و نیز انواع آرایش سواران، سلاح‌ها، مسابقه سوارکاری و آموزش با آن پرداخته‌است (وهب بن منبه، *فی*

۱- کتابخانه ملی فرانسه مجموعه نسخ خطی عربی، شماره ۲۸۲٤

۲- بیروت، بی‌تا، ۱۸۸۰م.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

علم سیاسه الخیل، ٥٤، ٥٩، ٦١، ٦٤، ٦٩، ٧٢، ٧٣، ٧٨).

ابوعبیده معمر بن مثنی[1] نیز در اثر خود *الخیل* در این باره به شرح اعضا، نام‌ها و صفات اسبان از جمله نژاد، رنگ و چگونگی حرکت آنها پرداخته است. یکی از ویژگی‌های این اثر ذکراشعار شاعران کهن عرب درباره اسب است. او کتاب دیگری نیز در همین موضوع نگاشته است.[2]

نجم الدین حسن الرماح معروف به احدب (٦٩٥ ق) از دیگر متخصصان این حوزه است که خود و پدرش در ساختن نیزه و ادوات جنگی مهارت داشته‌اند. او سه اثر در این موضوع دارد. در نخستین اثر که نسخه خطی بسیار زیبایی از آن همراه با ده‌ها تصویر و نقاشی موجود است با عنوان *علم الفروسیه و المنازله مع الفرسان و الاجتماع مع الاقران*[3] نگاهی به فنون سوارکاری، آموزش، مسابقات مربوط به آن، سازماندهی سواره نظام و اشکال آن، مبارزه تن به تن و نظایر اینها دارد. عمده مباحث کتاب دیگرش هم *با عنوان المخزون لارباب الفنون فی الفروسیه ولعب الرمح وبنودها*[4]، مربوط به فنون سوارکاری و هنرهای رزمی با اسب و شکار و اشکال مختلف آن است که همه مباحث را با ترسیم شکل‌های زیبایی در نسخه خطی آن به تاریخ ٩٨٦ همراه ساخته است.[5]

ابن قیم جوزی (متوفای٧٥١)[6] نیز در اثری اختصاصی به آموزش سوارکاری و مهارت در استفاده از اسب در جنگ، مسابقه با اسب و شتر، انواع اسب‌ها و حتی بیطاری آن‌ها پرداخته است. همچنین کتابی با عنوان *الفروسیه* از نویسنده‌ای متعلق به قرن هشتم، که نام او در نسخه خطی آن قید نشده، به سوارکاری در جنگ و استفاده از نیزه پرداخته است. این نسخه نیز به سبب وجود تصاویر، اشکال و نقاشی‌های متعلق به دوره تیموری، نسخه‌ای ارزشمند به حساب می‌آید.[7]

١- *الخیل*، دکن، حیدرآباد، بی‌نا، ١٣٥٨ق.

٢- *الدیباجه*، به کوشش عبدالله بن سلیمان جربوع، قاهره، بی‌نا، ١٤١١ق .

٣- کتابخانه ملی فرانسه، مرکز نسخه های خطی عربی، شماره.٢٨٢٥.

۴- تصحیح عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، المکتبه العصریه ،٢٠١٦ م.

۵- کتابخانه ملی فرانسه، مجموعه نسخ خطی عربی، شماره ٢٨٢٦.

۶- *الفروسیه*، عراق، دارالشئون الثقافیه العامه، ١٩٨٧م.

٧- کتابخانه ملی فرانسه، مجموعه نسخ خطی عربی، شماره ٢٨٢٥.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

در همین موضوع کتاب دیگری از سوی محمدبن عیسی حنفی (قرن ۸)[۱] نوشته شده که بیشتر به آموزش سوارکاری و سازماندهی و اشکال آن پرداخته است. همچنین باید به تألیف عبدالمومن دمیاطی (متوفای ۷۰۵)[۲] هم اشاره داشت که به جمع‌آوری روایات در مورد اسب و سوارکاری و نیز ویژگی‌های آن پرداخته است.

نتیجه

اهمیت جنگ و تقدس جهاد در کنار رسول خدا ﷺ و پس از ایشان، آغاز عصر فتوح و توسعه سرزمینی، گستردگی میادین جنگ، پیچیده‌تر شدن و تخصصی شدن آن، فن‌آوری و توسعه تسلیحات، تنوع شیوه‌ها و هنر جنگ، مباحث مربوط به حقوق جنگ و نیز مسائل مالی و در حقیقت اقتصاد جنگ باعث شکل‌گیری گونه‌ای از تاریخ‌نگاری یعنی «تاریخ‌نگاری نظامی» شد. این امر بسیاری از مورخان را بر آن داشت تا بخش عمده‌ای از تلاش‌های خود را به ثبت وقایع جنگ‌ها اختصاص دهند. در این میان عده‌ای نیز به‌طور تخصصی تاریخ‌نگاری نظامی را حرفه خود قرار داده و آثار بسیار ارزشمندی در این زمینه از خود برجا گذاردند. برخی از این افراد در مقام فرماندهی یا به عنوان نظامی به ثبت مشاهدات خود پرداخته‌اند و به گونه‌ای تخصصی شیوه‌ها و کیفیت جنگ، آرایش و سازماندهی، تسلیحات و نظایر اینها را بیان کرده‌اند. حضور آنان در میادین جنگی از یک طرف و آگاهی از شیوه‌های علمی تاریخ‌نگاری، موقعیت ویژه‌ای به آنان داده و متون آنان را متقن و ارزشمند ساخته است. انبوه آثار قابل توجه بر جای مانده و از میان رفته این میراث تمدنی در اسلام نشان از توسعه و دایره وسیع این نوع تاریخ‌نگاری و اهمیت آن در میان مسلمانان دارد و می‌توان به جرأت چنین مدعی شد که تدوین این حجم از آثار و تنوع در آن، در تاریخ‌نگاری جنگ امپراطوری‌های نظامی از جمله ایران، یونان و بیزانس بی‌سابقه بوده‌است.

۱- *نهایه السئول و الامنیه فی تعلم اعمال الفروسیه*، دمشق، دار کنان، ۱٤۳۰ق.

۲- دمیاطی المصری، شرف الدین عبدالمومن، *فضل الخیل*، تصحیح نظام محمد صالح ، کویت، دار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

منابع

ـ ابن اعثم کوفی، ابی محمد، *الفتوح*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٠٦ق.

ـ ابن حبیش، عبدالرحمن، *غزوات ابن حبیش*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ١٤١٩ق.

ـ ابن عبدربه اندلسی، *العقد الفرید*، مقدمه عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، بی‌تا.

ـ ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، *المعارف*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٠٧ق.

ـ همو، *عیون الاخبار*، دارالکتب المصریه، قاهره، ١٣٤٦ق.

ـ ابن کثیردمشقی، أبو الفداء إسماعیل، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی عبد الواحد، دار المعرفة للطباعه، بیروت، ١٣٩٥ ق.

ـ ابن منکلی بغا ناصری، محمد بن محمود، *الادلة الرسمیه فی التعابی الحربیه*، تحقیق محمود شیت خطاب، بغداد، مجمع العلمی العراقی، ١٤٠٩ق.

ـ ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، *السیرة النبویة*، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره ١٣٥٦ق.

ـ ابوالفرج اصفهانی، علی، *الاغانی*، بیروت، داراحیاء التراث، بی‌تا.

ـ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه اهل البیت، ١٤١٣ق.

ـ ذهبی، شمس الدین محمد، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤١٠ق.

ـ همو، *سیر اعلام النبلا*، تصحیح شعیب ارنووط، بیروت، موسسه الرساله، ١٤٠٦ق.

ـ سجادی، سید صادق، عالم زاده، مهدی، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران، سمت١٣٨٤ش.

ـ سرخسی، *شرح السیرالکبیر* لمحمدبن حسن شیبانی، قاهره، صلاح الدین المنجد، ١٩٥٧م.

ـ شافعی، محمد بن ادریس، *الام*، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

ـ عواجی، محمد بن محمد، *مرویات الإمام الزهری فی المغازی*، بی‌نا، ١٤٢٥ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

ـ قائدان، اصغر، «تأثیر روایت ایام‌العرب بـر مغـازی نویسـی و فتـوح‌نگـاری در عصـر اسلامی»، *مطالعات تاریخ اسلام* ، ش ۹، دوره نهم، ۱۳۹۵ش.
ـ همو، «بحران ردّه»، *مجله مصباح*، ش ۷، ۱۳۷٤ش.
ـ همو، «مدیریت بحـران‌هـای عصـر امـام علـی(ع)»، *فصـلنامه مـدیریت بحـران، ش ۱*، ۱۳۸۵ش.
ـ همو، «مقایسه و پیشینه قوانین موضوعه حقوق جنگ معاصر در سیره وگفتار امام علی (ع)»، *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۵۸ بهار ۱۳۹۲.
ـ قائدان؛ شریفی طرازکوهی، باقری، «قواعد حقوق جنـگ در اندیشـهٔ فقهـای شـیعه و مقایسهٔ آن با قوانین حقوق بشردوستانه در عصر حاضر»، *فقه و مبانی حقوق اسـلامی*، س ٤٧ ، ش۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
ـ کاشانی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود، *بدائع الصنائع*، قاهره، بی‌نا، ۱۳۲۸ ق.
ـ موسی بن عقبه، *المغازی النبویه*، تحقیق و ترجمه حسین مرادی نسب، قم، پژوهشـگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش.
ـ مالک بن انس، الموطّاء، تصحیح محمد فواد عبدالباقی، دارالدعوه، استانبول، ۱۹۸۱م.
ـ وهب بن منبه، *فی علم سیاسه الخیل*، کتابخانه ملی فرانسه، مجموعـه نسـخ خطـی،ش ۲۸٤٥.
ـ مرادی نسب، حسین، «مروری بر کتاب مغازیِ موسی بن عُقْبَه»، *حوزه و دانشـگاه*، ش ۲٤و۲٥.
ـ همو، *موسی بن عقبه پیشگام در سیره‌نگاری*، تهران، نشاط، ۱۳۸۲ش.
ـ واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، بی‌نا، ۱٤۰٤ق.
ـ همو، *کتاب الردّه مع نبذه من فتوح العرق و ذکر المثنی بن حارثه شیبانی*، تحقیق یحیـی الجبوری، بیروت، دارالغرب الاسلامی،۱٤۱۰ق
ـ همو، *فتوح الشام*، موسسهٔ سجل العرب، قاهره، ۱۹۷۰م
ـ هرثمی، *مختصر سیاسه الحروب*، تحقیق عبدالرووف عون، مصـر، موسسسـه المصـریه العامه، ۱۹٦٤م.
ـ هروی، علی بن ابوبکر، «رسالهٔ التذکرهٔ الهرویـهٔ فـی فنـون الحربیـه»، ترجمـه اصـغر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]

قائدان، *تاریخ اسلام*، ش ۲۵، س ۱۳۸۵.
ـ یعقوبی، مهدی و منتظری مقدم، حامد، «بررسی دانش مغازی نگاری با تأکید بر مغازی واقدی»، معرفت، سال ۲۳، ش۱۹۶، (۱۳۹۳ش).
ـ Dupuy, R. Ernest and Trevor N. Dupuy. *The Encyclopedia of Military History*: From 3500 B.C. to the Present (1977), 1465 pp.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.1.5]